

خبر

نمایشگاه «میزبانی برنزا» در گالری فرمانفرما

● **گروه هنر**: نمایشگاه انفرادی مجسمه‌های حمیدرضا عینی با عنوان «میزبانی برنزا» از ۱۳ تا ۲۷ مهرماه سال ۱۳۹۷ در گالری «فرمانفرما» برگزار می‌شود. حمیدرضا عینی، دانش‌آموخته دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است و در گذشته سابقه دبیری انجمن مجسمه‌سازان ایران را داشته.نمایشگاه «میزبانی برنزا» دربرگیرنده مجسمه‌های مینی‌مال، ساده و سرشار از ایهام عینی است که هرکدام نامی برای خود دارند و حکایتی را در ذهن مخاطب بازگو می‌کنند.گالری فرمانفرما به نشانی خیابان خردمند شمالی، کوچه اعرابی ۲، همه‌روزه به غیر از دوشنبه‌ها از ساعت ۱۱ الی ۱۹ و روزهای جمعه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ میزبان مخاطبان این نمایشگاه است.

مهدی سلطانی در نقش شاه‌لیر

● **گروه هنر**: مهدی سلطانی در نقش شاه‌لیر به کارگردانی مسعود دلخواه، نقش‌آفرینی خواهد کرد. مسعود دلخواه با اشاره به حضور مهدی سلطانی در نقش لیر گفت: پس از حضور بهاره رهنما و الهام پناه‌زاد در نقش دختران بزرگ لیر، مهدی سلطانی نیز به بازیگران این پروژه بزرگ نمایشی پیوست.دلخواه با اشاره به حضور موفق سلطانی در مجموعه‌تولیزیونی «پدر» و کسب عنوان بهترین بازیگر مرد از هجدهمین جشن حافظ برای بازی در سریال «شهرزاد» توسط این بازیگر، افزود: مهدی سلطانی به‌عنوان بازیگری تأثیرگذار در سال‌های اخیر از میان چندین کاندیدای نقش شاه‌لیر برای بازی در این نمایش انتخاب شده است.دلخواه با تأکید بر انتقال انرژی مضاعف به گروه شاه‌لیر با حضور مهدی سلطانی، گفت: بازی در نقش‌های اصلی آثار شکسپیر، مستلزم داشتن تجربه بازیگری، دانش و توانایی‌های مضاعفی است که در کنار تسلط بر آثار ادبی، بازیگر را به سمت دستیابی به لحظات ناب آثار این نمایش‌نامه‌نویس شهر، هدایت خواهد کرد.نمایش «شاه‌لیر» که به‌زودی بازیگران و عوامل آن به‌طور کامل معرفی خواهند شد، در هفته پایانی آبان سال جاری در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد رفت.

مراسم یادبود یدالله صدی امروز برگزار می‌شود



● مراسم یادبود زنده‌یاد یدالله صدی، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، امروز برگزار می‌شود.این مراسم از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸ تا مسجد پیامبر اعظم (ص) برگزار خواهد شد.یدالله صدی که مدتی قبل برای پیوند کید در بیمارستان «نمازی» شیزز بستری شده بود، سه‌شنبه (سوم مهرماه) در ۶۶ سالگی درگذشت.این کارگردان متولد سال ۱۳۳۱ در شهر مراغه بود. شروع فعالیت این کارگردان در سینما با دستیاری در یکی از فیلم‌های نصرت‌الله کریمی بود و بعدها با این کارگردان در فیلم دیگری نیز همکاری کرد.او در فیلم‌های «دست شیطان» حسین زندباف و «داداشه» حبیب کاوش دستیار کارگردان بود و در سال ۱۳۶۴ اولین فیلمش را با نام «مردی که زیاد می‌دانست» ساخت.«توتوس»، «ایستگاه»، «ساوالان»، «آپارتمان شماره ۱۳»، «دو نفر و نصفی»، «دمرل»، «معجزه خنده»، «سارای»، «بانوی من» و «شهر آشوب» از دیگر فیلم‌های او هستند و آخرین فیلمش در سینما هم با نام «پدر آن دیگری» در سال ۹۳ ساخته شد.او همچنین کارگردانی دوسریال «شوق پرواز» و «هفت‌سین» را برعهده داشته است.همچنین مدیرعاملی خانه سینما و ریاست کانون کارگردانان سینمای ایران، از جمله فعالیت‌های صنفی‌اش در مقاطع مختلف بود.مسجد پیامبر اعظم (ص) در خیابان شریعتی، بالاتر از چهارراه قصر، روبه‌روی پارک اندیشه، ورودی ۱۱ باشگاه پیام واقع است.

عکس‌هایی با «طعم واقعی آرامش» در گالری سایه

● **گروه هنر**: نمایشگاه عکس «امیرحسین حشمتی» تحت عنوان «طعم واقعی آرامش» در گالری سایه برپاست. حشمتی درخصوص این نمایشگاه گفت: آخر هر هفته در ۲۲ سال گذشته از تهران به کنگلان می‌روم؛ سفری که از زادگاهم شروع و به جایی ختم می‌شود که عاشقانه‌سا ساختمش و عاشقانه دوستش می‌دارم. از شهری که در آن به‌دنبال آرامش می‌کردم تا به عاشقانه‌ای برسم که روجم در آنجا آرام می‌گیرد. این هنرمند افزود: از هرآنچه در این شهر شلوغ تا خلوت کنگلان به من آرامش می‌دهد، عکس‌هایی انتخاب کرده و در اینجا به نمایش گذاشته‌ام... از علاقه‌مندان دعوت می‌شود تا در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، سیزدهم مهر در گالری سایه از ساعت ۱۷ الی ۲۱ حضور به‌هم رسانند. این نمایشگاه تا ۱۸ مهرماه در گالری سایه، واقع در خیابان کریمخان، خیابان سنایی، کوچه سیزدهم، پلاک ۲۱ ادامه دارد.

فرانک آرتا: چندی پیش نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه» با نویسندگی مشترک محمد جرم‌شیر و بهمن عباس‌پور و به کارگردانی شهرام گیل‌آبادی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه رفت. هرچند که این نمایش سال گذشته هم رنگ صحنه را به خود دید، اما قرار است همچنان در برخی از شهرهای کشورمان در معرض دید عموم قرار بگیرد. با توجه به استقبال از این نمایش با دکتر شهرام گیل‌آبادی گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

این روزها مشغول چه کاری هستید؟

کارهای زیادی دارم انجام می‌دهم. یک کار رسانه‌ای برای فضای رادیو انجام می‌دهم. مشغول نوشتن یک فیلم‌نامه بلند سینمایی هستم. همین‌طور روی یک مونولوگ نمایشی برای اجرا در صحنه کار می‌کنم. اجرای نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه» در تهران تازه تمام شده و مشغول برگزاری نمایشگاه نقاشیخظ خودم هستم. فعالیت‌های «خانه تئاتر» هم در جای خود قرار دارد و کارهایی جدی را در خانه تئاتر شروع کردیم که ان‌شاءالله خیرش به اهالی تئاتر کشور برسد.

● **اخیرا نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه» از شما تازه‌ترین صحنه رفت. موضوع آن مربوط به زنان کارتن‌خواب بود. این مسئله یکی از تابوها بود که آن‌قدر رسانه‌ها به آن پرداخته‌اند که در نهایت اجازه داده شد روی صحنه برود! چرا این موضوع برای شما مهم جلوه کرد؟**
قرب به ۱۵ سال درباره مسائل مختلف آسیب‌های اجتماعی با آن‌جی‌اوه‌ای مختلف کار می‌کنم. از همان ابتدا موضوعات اجتماعی و تپش معنایی جامعه برایم برجسته و مهم بوده و همواره به شکل خاص به آن توجه کرده‌ام. یاد می‌آید اولین نمایشی که در آن بازی کردم در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خرم‌آباد سال ۱۳۵۷ بود که به اختلاف طبقاتی و موضوعات اجتماعی می‌پرداخت. همیشه ذهنم، فکرم و تصورم بر این بوده که هنرمند در تپش معنایی جامعه خود باید خودش را معنی کند. اگر هنرمندی از این فضا دور بيفتد و در تعبایر سانتی‌مانتالیسم هنر گرفتار شود، بیرون‌رفتنش بسیار سخت خواهد بود. به همین دلیل همواره از اجتماع و جامعه خودم فراوان درس گرفته‌ام و اعتقاد دارم که حکمت در کوچه‌پس‌کوچه‌ها نهفته شده. هنگامی که کتاب «کوچه» شاملو را ورق می‌زدم، می‌دیدم بسیاری از حکما در جایگاه الفاظ و معانی در کوچه‌ها رشد کرده‌اند، در خیابان‌ها به معرفت رسیده‌اند و در معابر مختلف حکیمانه از خود اثر به جا گذاشته‌اند.

● **یعنی در کنار مردم زندگی کردن، هنرمند را به هنر واقعی نزدیک می‌کند؟**

بله، چون این نوع زندگی باعث می‌شود توجه شما به روابط اجتماعی جلب شود. کشف روابط اجتماعی باعث می‌شود به کنه موضوعات و روایت آدم‌ها از زندگی پی ببرید... الان هم که در عصر روایت‌های مختلف و فردی هستیم، آدم‌ها علاقه‌مند هستند که روایت‌های همدیگر را بشنوند، ولو اینکه بداندن این زندگی تکراری است! اما دوست دارند بدانند شما زندگی را چگونه می‌بینید؛ به‌طورمثال برخی از اوپاما پرسیند که شما چگونه رئیس‌جمهور شدید. ایشان هم پاسخ را در دید. پس من هم تألیف متفاوتی از رابطه اجتماعی که در فضای کارتن‌خوابی وجود دارد، به‌ویژه با زاویه زنان کارتن‌خواب ارائه کردم که مشکلات جدی نژادپرستی وجود داشت، روایت خود را از جامعه آمریکایی به گوش مردم آمریکا برساند. چنین چیزهایی داریم. اول شناخت و بعد هضم، پیداکردن زاویه دید، تعریف‌کردن روایت و دست‌آخ پیداکردن رسانه که بتواند ارتباط را برقرار کند. من دائم در پی این موضوع بودم؛ چه از طریق رادیو و چه از طریق تئاتر و فیلم. سعی کردم حرف خودم را از کشف روابط اجتماعی به گوش مخاطب خودم برسانم. چندی پیش هم در جشنواره فیلم سلامت، فیلم «پیش از سی‌سالگی» را داشتم که تهیه‌کننده آن بودم و جایزه بهترین فیلم مستند را دریافت کرد. فیلم «پیش از سی‌سالگی» هم قصه یک دختر فراری بود که کارش به اعتیاد کشیده و کارتن‌خواب شده و بود و در کمپی با سایر کارتن‌خواب‌ها زندگی می‌کرد. ما در نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه» هم به سمت طرح معضله‌ها از یک زاویه متفاوت رفتیم و سعی کردیم دردنامه و دردنگاری داشته باشیم تا بتواند با جامعه امروز ما که عصر سوپر‌تکنولوژی است ارتباط برقرار کند. پس قصد داشتیم شکافی برای دیدن موضوعات واقعی ایجاد کنیم.

● **وقتی صرفا به سوژه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم باز هم جرمه‌ها یک قدم جلوتر است! شاید ۱۵ سال پیش طرح چنین موضوعاتی در قالب نمایش و**

فیلم، سوژه نو و بدیعی به نظر می‌رسید، اما حالا آن‌قدر چنین مسائلی به‌کرات در رسانه‌ها گفته و بیان شده که کمی کهنه به نظر می‌رسد. نظراتن چیست؟ ضمن اینکه برخورد مسئولان با نمایش چگونه بود؟ آیا نمایش اصلاحیه خورد؟

هیچ‌وقت برای دیدن یک سوژه دیر نیست. مهم این است که آن سوژه را چگونه ببینید. به همین دلیل تازه‌ترین مسائلی که در عصر سوپر‌تکنولوژی چیزی که برجسته می‌نمایاند، روایت‌های فردی است؛ روایت‌های شخصی از یک موضوعی که اگر حتی مربوط به دو هزارسال پیش باشد، تماشاگران را ترغیب می‌کند تا آن کار را دنبال کنند. نکته بعد اینکه الان در فصل مخاطب- رسانه هستیم؛ یعنی همین الان شما می‌توانید با تلفن همراه خود، روایت‌تان را از یک حادثه یا واقعه به اشتراک بگذارید و بیان کنید. درحال‌حاضر رسانه‌ها در دنیا پنج وظیفه روشن دارند: اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، نقد، تحلیل یا تأویل و آینده‌نگاهی که مفهومی از آینده‌پژوهی است که کارکردهای رسانه‌ای است؛ اما هنر هم یکی از کارکردهایش رسانه‌ای است که این پنج آئیم را در خود جای داده است.

● **اما هنر تئاتر کمی متفاوت است. شما دیگر به آن به‌مثابه رسانه صرف نگاه نمی‌کنید؛ چون اگراندیشه‌ش را در نظر بگیریم، در آن‌صورت ورای رسانه رفتار خواهید کرد و رزمز ماندگاری آن در همین است.**
خب یکی از وجوه هنر، وجوه رسانایی آن است. کارکردهای دیگر هنر، کارکردهای معرفتی (شناختی) است که چند زاویه خاص را در درون خود دارد که آن هم شنش مورد است: حسی، احساسی، عاطفی، منطقی، فلسفی و آخری که عالی‌ترین است؛ یعنی تمثیلی. حتی هنر یک پله بالاتر هم می‌رود که «فضایی» است که شامل Atmosphere و Space. Matrix ۱. Mode می‌شود. حالا تمام اینها را که جمع می‌کنیم، اگر اینکه زاویه دید معنایی من باشد و اینها را درون خودش داشته باشم، هر سوژه‌ای را مثلا ادیب را می‌توان آموزشی‌اش کرد و دوباره آن را دید. پس من هم تألیف متفاوتی از رابطه اجتماعی که در فضای کارتن‌خوابی وجود دارد، به‌ویژه با زاویه زنان کارتن‌خواب ارائه کردم که مخاطبانم با زاویه دید من درباره این معضل اجتماعی آشنا شدند. نکته دیگری که فرمودید، این است که اساسا جامعه سیاست‌گذاری ما آمادگی لازم برای پذیرش حداقل‌های این موضوعات را هم ندارد! از این نظر ما با مشکلات متعددی مواجه هستیم. حتی رسیدیم به اینجا که حتما می‌دانید، سال گذشته در سالن ایران‌شهر جلوی کار ما گرفته شد. من توجهات متعددی را برای سیاست‌گذاران آن روز مرکز هنرهای نمایشی به‌عنوان کارگردانی که با شناخت سراخ این موضوع می‌روم، آوردم که از من پذیرفتند! متأسفانه هنوز هم داریم هنر‌قدرتمند تئاتر را به سمت سانتی‌مانتالیسم بی‌خطر می‌کشانیم؛ و فقط رنگ و لعاب پوسته‌ای به آن می‌دهیم! علاقه‌مند نیستم هنر تئاتر که هنری زنده است، در موضوعات جدی و اساسی، پویا و مستقیم سیر کند. این یکی از نقاط خطر است که به غلط یا به دلیل ناآگاهی متأسفانه باعث می‌شویم، جامعه قدرت تئاتر را از دست بدهد. نکته سومی که در سؤال مطرح کردید، بحث کاملا گسترده و جدی هست که ما به‌مثابه یک پژوهشگر با ۵۳ زن کارتن‌خواب در یک سال گفت‌وگو کردیم. بعد متن را دسته‌جمعی نوشتیم و در نهایت یک نویسنده قدرتمند مثل محمد جرم‌شیر متن را بازنویسی کرد. بعدازآن فوکوس کردیم بر روی (focus group) کردیم. یعنی زنان کارتن‌خوابی که آن اتفاق برایشان افتاده بود، مثلا بچشان را فروخته و بعد ترک اعتیاد کرده و در نهایت به وضعیت مانا رسیده بودند، متن را در حضورشان می‌خواندیم تا با معنای یکدیگر اشکالات (bug) را دربیابوریم و به اصل سوژه نزدیک‌تر شویم؛ اما همان‌طور که

گفت‌وگو با شهرام گیل‌آبادی به مناسبت کارگردانی نمایش «یک‌دقیقه و سیزده‌ثانیه»

متأسفم که تئاتر حمایت نمی‌شود!



می‌دانید، روند اجرا، تألیفی متفاوت است و روایت من کارگردان از این موضوع است که می‌توانستم تغییراتی دهم که این تغییرات دراماتیک بودند و فضای آرستیک می‌طلبد.

● **برای اینکه فضا را واقعی جلوه بدهید، سه بازیگر زن در ارتباط تعاملی با مخاطبان قرار گرفتند و با آن‌ها حرف می‌زدند. با اینکه این شیوه جدیدی نیست، چرا این شیوه را انتخاب کردید؟**

این شیوه کاملا جدید و بدیع است...

● **در کجا بدیع است؟**

در همه‌جای دنیا.

● **اما من در چندین نمایش شاهد بودم که از چنین شیوه‌ای تبعیت می‌کردند.**

به‌کارگیری مدل‌های مختلف ارتباطی در تئاتر به نسبت خلاقیت کارگردان برای تألیف مجدد در اجرا سر جای خودش است. اینکه در نمایش‌های ایرانی سعی می‌کنیم فاصله تماشاگر و صحنه را از بین ببریم یا آن را کم کنیم، باز سر جای خود؛ اما در این نمایش یک اتفاقی افتاد؛ چون من به شکل تئوریک با توجه به تجربیات رسانه‌ای به سمت این رفتم که کتابی داشته باشم به نام «ارتباطات تئاتر» و الان کتاب نوشته شده و به زبان دیگری هم دارد چاپ، روشن دارند: اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، نقد، تحلیل یا تأویل و آینده‌نگاهی که مفهومی از آینده‌پژوهی است که کارکردهای رسانه‌ای است؛ اما هنر هم یکی از کارکردهایش رسانه‌ای است که این پنج آئیم را در خود جای داده است.

● **خب سایکودراما (psychodrama) هم چنین تأثیری می‌کند. اصلا سایکودراما انجام داده‌ید؟**

نه. اما سایکولوژی یک فرایند درمان است که آدم باید اطلاعاتش را داشته باشد. به این نکته باید اشاره کنم که خانمی ۱۱ بار اجرای ما را دید، چون هر شبی که می‌آمد با اجرای متفاوتی مواجه می‌شد. بعد یک روز پیش من آمد و داشت اشک می‌ریخت. یکی از بازیگران ما هم ایستاده بودند و گفت می‌خواهم حرفی با شما بزنم، اما نمی‌توانم. شب که به خانه می‌روم با خودم تا صبح درگیر هستم. می‌گویم چرا نگفتم. ولی دیگر فردا می‌روم و حتما خواهم گفت. این همان مسئله سایکولوژی است که شما به آن اشاره کردید. این نمایش هم سال گذشته اجرا شد. اما متأسفم که باید بگویم حال مردم را امسال بدتر از سال قبل دیده‌ام!

● **از بازخوردها متوجه شدید که حال مردم خوب نیست؟**

بله.

● **بیشتر زنان یا مردان؟**

فرقی نمی‌کند. حس بدو‌بستان‌ها و نوع بیان و حرف‌هایی که می‌زدند این‌گونه تداعی می‌کرد. اینجا بود که تصمیم گرفتم کار بعدی‌ام یعنی مونولوگ را شروع کنم و فکر کردم که باید درباره عشق کار کنم و به‌همین دلیل «۶۲۷» را نوشتم که خوشبختانه آماده است.

● **چرا در انتخاب عناوین کارهایتان به اعداد علاقه‌مند هستید؟**

مثلا یک‌دقیقه و ۱۳ ثانیه یک اتفاق مهم بوده در تصمیم‌گیری جنگ جهانی. تصادفی دیدم در جایی خواندم که ۱۰او یک‌دقیقه و ۱۳ ثانیه، آغاز حمله و یک کشتار جهانی در جنگ جهانی دوم به فرماندهی هیتلر بوده است. در نمایش من تحول ساختاری وجود دارد که همانا کشته‌شدن انسانیت در بازه زمانی محدودی است و تصور کردم که این هم یک نوع کشتار است.

● **در جایی خواندم این نمایش قرار بوده در شهرهای دیگر مثل شیراز هم اجرا شود. اما چرا نشد؟**

خب ظاهرا این‌گونه است که سیاست‌گذاری‌ها در جاهای مختلف کشور با هم متفاوت هستند. هر استانی به اقتضاهای فضایش، خود مجوز می‌دهد و ما باید فیلم نمایش را برای هریک از آنها جداگانه بفرستیم تا آنها براساس ضوابط خود تصمیم بگیرند که آیا این کار قابل‌اجراست یا نه. ظاهرا تاکنون فقط مجوز بندرعباس صادر شده. اما فیلم نمایش را دوستان من به مشهد و شیراز و... داده‌اند که هنوز خبری نیست!

● **خودتان از اجرای کارراضی بودید؟**

بله راضی بودم. اما چیزی ته دلم هست که نمی‌توانم آن را بگویم؛ اینکه سیاست‌گذاران، تئاتر را کاملا تنها گذاشته‌اند و متأسفم که باید بگویم تئاتر حمایت نمی‌شود. ما نباید با هرکسی که کارش فقط تجارت و اقتصاد است، وارد مذاکره شویم تا از تئاتر حمایت کند، او هم صرفا دنبال مقاصد پیچیده اقتصادی و مالی خودش است. ما با صداقت وارد گفت‌وگو می‌شویم، ولی بعد متوجه می‌شویم که آن فرد، بسیار پیچیده به منفعت خودش نگاه می‌کند. هرچند او هم ممکن است حق داشته باشد؛ اما متأسفم که تئاتر حمایت نمی‌شود و چون حمایت نمی‌شویم، از روی ناچاری دست‌انویز ذهنیت‌های پیچیده صرفا سادی می‌شویم که وقتی متوجه می‌شویم که آدم شده‌ای!

● **یعنی هر شب متن را بازنویسی می‌کردید؟**

حالا رسیدم به interactive theater. در این نوع تئاتر، بازیگرم را با شیوه‌های تمرینی مختلف به سمت فضا بردم. mode یعنی فضای درونی، space یعنی فضای جلدی، matrix یعنی فضای هوایی و Atmosphere یعنی فضای ذهنی مخاطب. پس مخاطب را وارد فضای خودم کردم. با این زمینه ما وارد سیاق تازه شده بودیم. وقتی درباره این تجربه سه، چهار جا سخنرانی کردم، با توجه به مدلیزه‌کردن موضوع در کشورهای متفاوت مثل فرانسه و اسپانیا و جاهایی ازاین‌دست دیدم که برای استادان طراز اول تئاتر بسیار جذاب است. درصورتی‌که آدم‌هایی مثل آگوستا بوآل (Augusto Boal) یا آریانا منوشکین (Jerzy Grotowski) یا یسژی گروتوفسکی (Jerzy Grotowski) را داریم که تجربه‌ای از فضا را به ارماغان آوردند. پس ما هم تجربه متفاوتی از فضا در این شیوه داریم و این شیوه چیزی را که من برای جامعه امروز دوست داشتم به من هدیه کرد.

● **آن هدیه چه بود؟**

اکسیر گمشده جامعه امروزی ما که همانا «گفت‌وگو است». آدم‌های جامعه امروزی ما با هم حرف نمی‌زنند! به‌همین‌دلیل قبل از شنیدن حرف‌ها

دفع و له‌کردن آدم‌ها برای ما به ارزش تبدیل شده است! در این سبک اجازه دادم که این نوع تماشاگر در صحنه با همه و در حضور یکدیگر با هم گفت‌وگو کنند.

● **من فکر می‌کنم این نمایش در جاهایی در حد احساسات باقی‌مانده و اینکه به عمق این آدم‌ها برسیم کمتر اتفاق افتاده. چرا؟**

شما به‌عنوان یک تماشاگر برای من ارزشمند هستید و ارزش شما، عمق زبانی شماست؛ یعنی نظام زیرساختی و گفتارتان. من اگر بخوام به داشته‌های شما احترام بگذارم، گاهی اوقات یک تلنگر بسیار ساده کافی است. دیگر نیازی نیست که همه‌چیز را بیان کنم. دیگر من گزاه‌گرا می‌شوم.

● **چرا گزاه‌گرا؟**

چون وقتی شما دریا را تجربه کرده‌اید، فقط نام آن کفایت می‌کند و من فقط نیاز دارم از تجربه ذهنی شما استفاده کنم. من واژه دریا را می‌آورم و بعد آن در ذهن شما نقش می‌یندد و تداعی می‌شود. مگر اینکه من دریای خاصی را دنبال کنم. به قول سوزان سانتاگ درواقع ما به تلنگرهای معنایی نیاز داریم که مخاطب‌مان خود را بیشتر درگیر موضوع کند؛ یعنی بخش عمده‌ای از پیام ما در ذهن مخاطب است. یعنی ما با همدیگر به اشتراک می‌گذاریم، خدا بیامرز استاد حمید سمندریان را که همیشه به من می‌گفت فرق کار خوب و بد در این است که بعد از دیدن کار بد وقتی از سالن بیرون می‌آیید آن کار را رها می‌کنید، ولی کار خوب یقه شما را می‌چسبید؛ یعنی اینکه کار خوب قالب را می‌اندازد و شما را وارد تأویل می‌کند.

● **خب سایکودراما (psychodrama) هم چنین تأثیری می‌کند. اصلا سایکودراما انجام داده‌ید؟**

نه. اما سایکولوژی یک فرایند درمان است که آدم باید اطلاعاتش را داشته باشد. به این نکته باید اشاره کنم که خانمی ۱۱ بار اجرای ما را دید، چون هر شبی که می‌آمد با اجرای متفاوتی مواجه می‌شد. بعد یک روز پیش من آمد و داشت اشک می‌ریخت. یکی از بازیگران ما هم ایستاده بودند و گفت می‌خواهم حرفی با شما بزنم، اما نمی‌توانم. شب که به خانه می‌روم با خودم تا صبح درگیر هستم. می‌گویم چرا نگفتم. ولی دیگر فردا می‌روم و حتما خواهم گفت. این همان مسئله سایکولوژی است که شما به آن اشاره کردید. این نمایش هم سال گذشته اجرا شد. اما متأسفم که باید بگویم حال مردم را امسال بدتر از سال قبل دیده‌ام!

● **از بازخوردها متوجه شدید که حال مردم خوب نیست؟**

بله.

● **بیشتر زنان یا مردان؟**

فرقی نمی‌کند. حس بدو‌بستان‌ها و نوع بیان و حرف‌هایی که می‌زدند این‌گونه تداعی می‌کرد. اینجا بود که تصمیم گرفتم کار بعدی‌ام یعنی مونولوگ را شروع کنم و فکر کردم که باید درباره عشق کار کنم و به‌همین دلیل «۶۲۷» را نوشتم که خوشبختانه آماده است.

● **چرا در انتخاب عناوین کارهایتان به اعداد علاقه‌مند هستید؟**

مثلا یک‌دقیقه و ۱۳ ثانیه یک اتفاق مهم بوده در تصمیم‌گیری جنگ جهانی. تصادفی دیدم در جایی خواندم که ۱۰او یک‌دقیقه و ۱۳ ثانیه، آغاز حمله و یک کشتار جهانی در جنگ جهانی دوم به فرماندهی هیتلر بوده است. در نمایش من تحول ساختاری وجود دارد که همانا کشته‌شدن انسانیت در بازه زمانی محدودی است و تصور کردم که این هم یک نوع کشتار است.

● **در جایی خواندم این نمایش قرار بوده در شهرهای دیگر مثل شیراز هم اجرا شود. اما چرا نشد؟**

خب ظاهرا این‌گونه است که سیاست‌گذاری‌ها در جاهای مختلف کشور با هم متفاوت هستند. هر استانی به اقتضاهای فضایش، خود مجوز می‌دهد و ما باید فیلم نمایش را برای هریک از آنها جداگانه بفرستیم تا آنها براساس ضوابط خود تصمیم بگیرند که آیا این کار قابل‌اجراست یا نه. ظاهرا تاکنون فقط مجوز بندرعباس صادر شده. اما فیلم نمایش را دوستان من به مشهد و شیراز و... داده‌اند که هنوز خبری نیست!

● **خودتان از اجرای کارراضی بودید؟**

بله راضی بودم. اما چیزی ته دلم هست که نمی‌توانم آن را بگویم؛ اینکه سیاست‌گذاران، تئاتر را کاملا تنها گذاشته‌اند و متأسفم که باید بگویم تئاتر حمایت نمی‌شود. ما نباید با هرکسی که کارش فقط تجارت و اقتصاد است، وارد مذاکره شویم تا از تئاتر حمایت کند، او هم صرفا دنبال مقاصد پیچیده اقتصادی و مالی خودش است. ما با صداقت وارد گفت‌وگو می‌شویم، ولی بعد متوجه می‌شویم که آن فرد، بسیار پیچیده به منفعت خودش نگاه می‌کند. هرچند او هم ممکن است حق داشته باشد؛ اما متأسفم که تئاتر حمایت نمی‌شود و چون حمایت نمی‌شویم، از روی ناچاری دست‌انویز ذهنیت‌های پیچیده صرفا سادی می‌شویم که وقتی متوجه می‌شویم که آدم شده‌ای!

● **گروه هنر**: شهرام و حافظ ناظری در کانادا، داریوش طلاایی در بلژیک، محسن یگانه در آلمان، اتریش و بلژیک، بهنام بانی در کانادا و انگلیس و علی قمصری در سوئد در مهر و آبان ۹۷ کنسرت برگزار می‌کنند.

تورکنسرت شهرام ناظری و حافظ ناظری در کانادا



شهرام ناظری و حافظ ناظری به شهرهای اتاوا، مونترال، تورنتو، کلگری و ونکوور می‌روند. این تورکنسرت از شنبه، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸ (۲۱ مهر ۱۳۹۷) در اتاوا شروع می‌شود و یکشنبه، ۱۴ اکتبر (۲۲ مهر) در مونترال ادامه پیدا می‌کند. شهر بعدی تورنتو است که یکشنبه، ۲۱ اکتبر (۲۹ مهر) میزبان حافظ ناظری و شهرام ناظری می‌شود. این تورکنسرت در ادامه به شهر کلگری کانادا می‌رود و روز شنبه، ۲۷ اکتبر (پنجم آبان) در این شهر برگزار می‌شود و سپس یکشنبه، ۲۸ اکتبر (ششم آبان) در ونکوور اجرا می‌شود.

تورکنسرت‌های محسن یگانه در آلمان، اتریش و بلژیک

محسن یگانه در آلمان، اتریش و بلژیک کنسرت برگزار می‌کند. کنسرت‌های پاییزی محسن یگانه (خواننده موسیقی پاپ) در خارج از ایران آغاز شد. او اجرای اروپایی‌اش را ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸ (مصادف با هفتم مهر ۱۳۹۷) از شهر دوسلدورف آلمان آغاز کرد. یگانه در سالن Capitol Theater این شهر روی صحنه رفت. یگانه در ادامه راهی اشتوتگارت می‌شود و دوم اکتبر ۲۰۱۸ (مصادف با ۱۰ مهر ۱۳۹۷) در سالن Liederhalle Hegelsaal به اجرای زنده می‌پردازد. پس از این کنسرت، یگانه از آلمان راهی اتریش می‌شود و ششم اکتبر ۲۰۱۸ (مصادف با ۱۴ مهر ۱۳۹۷) در سالن Wiener Stadthalle شهر وین کنسرت می‌دهد. آخرین بخش از تورکنسرت اروپایی محسن یگانه در پاییز امسال، ۱۳ اکتبر ۲۰۱۸ (مصادف با ۲۱ مهر ۱۳۹۷) در سالن Audi-torium Jacques Brel شهر بروکسل، پایتخت کشور بلژیک، برگزار می‌شود. این کنسرت‌ها توسط کمپانی تار پروداکشن به تهیه‌کنندگی مجید عبدی برگزار می‌شوند.

کانادا و انگلیس گردی بهنام بانی

بهنام بانی از ۲۹ سپتامبر (برابر با هفتم مهر) به انگلیس رفته است و تا ۲۰ اکتبر (۲۸ مهر) در کانادا به اجرای زنده می‌پردازد. به گزارش ایلسا، بهنام بانی (خواننده موسیقی پاپ)، دور جدید اجراهایش را با برگزاری تورکنسرت خارجی در انگلستان و کانادا آغاز کرد. بهنام بانی و گروهش که هم‌اکنون در انگلستان به‌سر می‌برند، روز گذشته، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸ (برابر با هفتم مهر ۱۳۹۷) در شهر منچستر انگلیس به اجرای زنده پرداختند. این کنسرت در سالن The Stoller این شهر برگزار شد. کنسرت بعدی این خواننده در انگلستان، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ (برابر با هشتم مهر ۱۳۹۷) در سالن Gracepoint شهر لندن برگزار شد. این خواننده سپس راهی کانادا می‌شود. اولین کنسرت بانی و گروهش در کانادا، یکشنبه، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸ (برابر با ۲۲ مهر ۱۳۹۷) در سالن Massy Theatre شهر ونکوور برگزار می‌شود. بانی سپس به تورنتو می‌رود و روز جمعه، ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸ (برابر با ۲۷ مهر ۱۳۹۷) در سالن George Weston Recital Hall به اجرای زنده می‌پردازد. آخرین کنسرت بهنام بانی در کانادا، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۸ (برابر با ۲۸ مهر ۱۳۹۷) در سالن Centre Mont-Royal شهر مونترال برگزار می‌شود. این کنسرت‌ها توسط شرکت تار پروداکشن برگزار می‌شوند. مجید عبدی (تهیه‌کننده این کنسرت‌ها)، حامد برادران (تنظیم‌کننده و مدیر هنری آثار بهنام بانی)، محمد حاتم‌پور (مدیر شرکت آوای فروهر) و ایمان ابراهیمی در این سفر بهنام بانی و ارکسترش را همراهی می‌کنند.

قمصری در سوئد

علی قمصری، نوازنده و آهنگ‌ساز موسیقی ایرانی، با همراهی سارا رسول‌زاده و حامد شفیخ‌خواه با دعوت تئاتر ملی سوئد و همکاری جشنواره موسیقی جهانی «شیستا» و انجمن فرهنگی سوئد، پروژه «شط‌رنج» را به کارگردانی سهیلا گلستانی، روز ششم آبان، در سالن موزیکالیکای استکهلم روی صحنه می‌برد. این کنساز با همراهی محمدرضا مرتضوی آبان‌ماه در سالن فیلارمونی کلن نیز روی صحنه خواهد رفت.

به گزارش مهر، گروه‌های «ماکان‌بند» و «پازل‌بند» نیز روزهای ۲۱ و ۲۸ مهرماه کنسرت مشترکی را در شهرهای تورنتو و ونکوور برای طرفداران خود برگزار می‌کنند.